

شیخ طوسی

حضرت آیت الله بهجت می فرمودند: «این سه شخصیت (سید مرتضی، شیخ مفید و شیخ طوسی) خیلی بزرگوار بوده اند و تقریباً به مذهب حیات دادند، بلکه شالوده و اساس و پایه مذهب تشیع را اینها ریخته اند. جزاهم الله خیرا».

شهر طوس از کهن ترین شهرهای ایران است که به ویژه به برکت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، از مراکز علمی و فرهنگی به شمار می رفته است. محمد بن حسن طوسی در سال ۳۸۵ هـ.ق. در این شهر دیده به جهان گشود. دوران کودکی و مدتی از جوانی را در همان شهر گذراند و در بیست و سه سالگی به عراق رفت و در بغداد ساکن شد. او پس از ورود به عراق، پنج سال آخر عمر شیخ مفید رحمته الله را درک کرد و پس از او، وارد حلقه شاگردان سید مرتضی شد. سید مرتضی - که پس از شیخ مفید، زعامت شیعه را به عهده گرفته بود - به خوبی به نبوغ شیخ طوسی پی برده بود و عنایت ویژه ای به او داشت. شیخ نیز قدر دان زحمات استاد بود و تا آنجا پیش رفت که پس از وفات سید مرتضی، جای وی را گرفت و زعمیم شیعیان شد.

در سال ۴۴۸ هـ.ق. با ورود طغرل بیک به شهر بغداد، آتش فتنه میان شیعه و سنی بالا گرفت. با به آتش کشیده شدن کتابخانه بزرگ شیعی در این شهر و نیز خانه و کتابخانه شخصی شیخ طوسی، او مجبور شد به نجف اشرف، مهاجرت کند. نجف در آن روزگار، دهی کوچک بود و محدثانی انگشت شمار در آن زندگی می کردند، ولی رونق علمی چندانی نداشت. با ورود شیخ به این شهر، حوزه ای بزرگ به وجود آمد که به تدریج جایگزین حوزه بغداد شد.

او دانش عظیمی را که از اساتید بزرگ خود، شیخ مفید، سید مرتضی، نجاشی و حسین بن عبدالله غضائری، به دست آورده بود،

به حوزه نجف آورد. کلاس درسش پر بود از شیعه و سنی؛ ۳۰۰ نفر از مجتهدین شیعه و تعداد زیادی از سنی‌ها.

شیخ در اکثر علوم مرسوم زمان خود دارای تألیف است و کتب متعددی در موضوعات حدیث، رجال، تفسیر، فقه، اصول، کلام، ادعیه و سنن به رشته تحریر درآورده است.

شیخ بنا به نقل خود، همیشه مورد طعن مخالفین بود که فقه شیعه را سبک می‌شمردند. او همیشه در آرزوی این بود که پاسخی محکم به آنها ارائه کند؛ از این رو با نوشتن کتاب «المبسوط»، تحولی بزرگ در فقه شیعه به وجود آورد و فقه و اصول امامیه را وارد دوره جدیدی کرد. او را به سبب خدمات فراوانش «شیخ الطائفة» لقب دادند و لقب «شیخ» را نیز به او اختصاص دادند. پیش از شیخ مرتضی انصاری، در هر جای فقه که «شیخ» گفته می‌شد، شیخ طوسی مقصود بود.

در بزرگی و عظمت شیخ همین بس که بنا بر روایت تاریخ، کتاب «النهاية» او مورد تأیید امیرالمؤمنین علی علیه السلام واقع شده است. وقتی شیخ این کتاب را نوشت، مورد انتقاد برخی افراد واقع شد. در همان ایام برخی از شاگردان شیخ، امیرالمؤمنین علیه السلام را در خواب دیدند که فرمود: «شیخ این کتاب را فقط برای خوشنودی خدا تألیف کرد و بس، او را همین کتاب برای توشه روز واپسینش بس است».

شب دوشنبه بیست و دوم محرم ۴۶۰ هـ.ق. شهر نجف پس از دوازده سال حیات و نشاط علمی، طعم تلخ فقدان عالمی بزرگ را چشید. شاگردان شیخ بنا بر وصیتی که کرده بود، او را در منزلش دفن کردند و باز بنا بر وصیتش، آنجا را مسجد قرار دادند. مسجدی که طی سالیان دراز، محل تدریس علمای بزرگی قرار گرفت.